

hinter die Ohren schreiben

hinter die Ohren schreiben

پشت گوش ها نوشتن

به معنی :

sich etwas merken

چیزی را به خوبی به یاد داشتن

در فارسی گفته می شود : چیزی را آویزه گوش کردن!

Das schreibst du dir schön hinter die Ohren

اینرا (خوب) آویزه گوش هایت کن!

Was steht da? Ich höre

چی اینجا نوشته ؟ میشنوم (بگو میشنوم)

Parkverbot

پارک کردن ممنوع

Lauter, ich verstehe nichts

بلندتر ، چیزی متوجه نمیشم (نشدم)

Das ist die richtige Methode

این همون راه و روش درسته است

Lies zu Ende

تا آخرش بخون

Privatgrundstück

ملک خصوصی

So, das schreibst du dir schön hinter die Ohren. Jetzt ab hier

خب پس از الان به بعد اینرو آویزه گوش هات کن

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de

entkommen - versprechen

entkommen یک فعل می باشد
گریختن ، فرار کردن ، خلاص شدن ، رها و آزاد شدن

گذشته ساده : entkommen

گذشته کامل : sein entkommen

aus dem Gefängnis entkommen

از زندان گریختن ، از زندان فرار کردن

versprechen یک فعل می باشد

قول دادن ، وعده دان

گذشته ساده : versprochen

گذشته کامل : haben versprochen

Sie hat mir versprochen, pünktlich zu sein

او (مونث) به من قول داد ، سر وقت و به موقع بیاید (باشد)

Ich werde nicht weglaufen und ich werde nicht versuchen zu entkommen

من فرار نخواهم کرد و سعی هم نمیکنم که دربرم

Ich will ihn nur gesund machen und dann bleibe ich bei dir für immer

من فقط می خواهم او نرو سالم و سلامت کنم و بعدش برای همیشه پیش تو بمونم

genauso wie du es willst. Alles wird wieder so sein, wie es war

دقیقاً (درست) همانطوری که تو دلت می خواهد. همه چیز دوباره همونجوری که بود ، همیشه

Ich verspreche es

من اینو قول میدم

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد
منبع : de.alemani.de

unter die Nase reiben

jemandem (etwas) unter die Nase reiben

کسی را سرزنش و شماتت کردن

چیزی را به رخ کسی کشیدن به طوری که او را نیز سرزنش و ملامت کرده باشیم

reiben یک فعل می باشد

ساییدن ، مالیدن ، رنده کردن

گذشته ساده : rieben

گذشته کامل : haben gerieben

die Creme in die Haare reiben

آن کرم را به موها مالیدن

Kartoffeln reiben

سیب زمینی را رنده کردن

Ich reibe mich an einem Problem

من به خاطر یک مشکلی دلخور و ناراحت هستم

-Er will uns nur unter die Nase reiben, dass er eine Freundin hat und wir nicht

اون فقط می خواهد ما را سرزنش کند ، که اون یک دوست دختر داره و ما نداریم

-Du meinst, du hast keine

منظورت اینه که خودت دوست دختر نداری!!!

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de

ganz Ohr sein

ganz Ohr sein

سرتا پا گوش بودن ، سراپا گوش بودن

Ich bin ganz Ohr

من سرتاپا گوشم ، من سراپا گوشم

Das ist es ganz und gar nicht

نه هیچوره نمیشه ، نه اصلاً اینجوری نمیشه

ausreden یک فعل جدا شدنی می باشد

تا انتها حرفی را زدن ، حرف یا سخنی را به پایان رساندن یا بردن

redeten aus : گذشته ساده

haben ausgeredet : گذشته کامل

jemanden ausreden lassen

اجازه بدیم کسی حرفش را به پایان ببرد

jemanden nicht ausreden lassen

نداریم یا اجازه ندیم یک کسی حرفش را به پایان ببرد

Nein, das ist es ganz und gar nicht. Du wirst dich entscheiden müssen: ich oder deine Mutter.
-Falsche Antwort

نه اصلاً اینجوری همیشه ، تو باید تصمیم خودت رو بگیری : من یا مادرت — پاسخ اشتباه

-Nein, warte, du hast mich nicht ausreden lassen

نه ، صبرکن ، تو نداشتی من حرف رو تموم کنم

-Ich bin ganz Ohr

من سر تا پا گوشم

schieflaufen

schieflaufen - schiefgehen

اتفاق یا کاری که درست از آب در نیامده ، به جایی نرسیده ، خوب پیش نرفته

Was ist schiefgelaufen?

Was ist schiefgegangen?

چه اتفاقی درون من افتاده؟

چه چیزی درست از آب در نیامده؟

چه چیزی خوب پیش نرفته؟

beim Projekt war alles schiefgelaufen

هیچ چیز در پروژه درست پیش نرفته بود

-Wow, was ist schiefgelaufen?

واوو ، چه اتفاقی درون من افتاده؟

-Ich verstehe schon. Sie waren niemals verliebt

الان فهمیدم ، شما هیچ وقت (هرگز) عاشق نبودید.

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de